**مقررات مربوط به بازرسي داروخانه ها و كارشناسان اعزامي**

بازرسي داروخانه (از **قوانين**)

با توجه به اينكه مؤسس يا مسئولين فنى اكثر داروخانه‏ها دكتر يا ليسانس داروسازى بوده و آشنايى كامل به وظايف محوله دارند اقتضا دارد كه كارشناسان اعزامى نيز حداقل مدركت تحصيلى ليسانس را داشته و از حسن سلوك لازم برخوردار باشند و چون منظور از بازرسى، نظارت و كنترل داروخانه در ارائه خدمات مطلوب دارو به بيماران و خارج نمودن داروهاى تاريخ وقت گذشته از رديف داروهاى قابل مصرف و رعايت بهداشت فردى و اجتماعى و همچنين عدم اجحاف به مراجعين مى‏باشد، لازم است بازرسان اعزامى نيز در بازديدهاى خود به نكات مذكور توجه داشته و مشهودات خود را در دو برگ صورت مجلس طبق فرم تنظيم و يك برگ آن را جهت رفع نارسائيهاى ذكر شده در قبال اخذ رسيد به مسئول فنى داروخانه تحول نمايند، تا اشكالى از حيث اقدامات بعدى مناطق بهداشت و درمان استان‏ها پيش نيايد.  
راى هيات عمومى ديوان عدالت ادارى در مورد داروخانه‏ها  
به تاريخ نهم خردادماه 1362  
پرونده 61/8   
دادنامه شماره5-9/3/1362  
مرجع رسيدگى - هيات عمومى ديوان عدالت ادارى  
شاكى - اتحاديه داروخانه‏هاى تهران  
طرف شكايت - وزارت بهدارى  
موضوع شكايت - بند 4 از تصميم مورخ 6/8/1358 و قسمت 4 از تصميم تكميلى 28/11/58 شوراى معاونان وزارت بهدارى  
مقدمه - نظريه اصول يكصد و هفتاد و سوم قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران كه ديوان عدالت ادارى را مرجع رسيدگى به تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورين يا واحدها يا آيين‏نامه‏هاى دولتى شناخته و با توجه به ماده 25 قانون ديوان عدالت ادارى مصوب بهمن ماه 1360 كه مقرر مى‏دارد چنانچه شكايت راجع به مخالفت بعضى از تصويبنامه‏ها يا آيين‏نامه‏هاى دولتى با قوانين و يا خارج از حدود اختيارات قوه مجريه باشد شكايت مزبور در هيئت عمومى ديوان مطرح مى‏شود و اگر اكثريت اعضاء هئيت عمومى شكايت را وارد تشخيص دهند حكم بر ابطال تصويب‏نامه و يا آيين‏نامه دولتى صادر مى‏نمايد لذا بر مبناى اصول قانون اساسى و مقررات ديوان عدالت ادارى، شكايت اتحاديه داروخانه‏هاى تهران از وزارت بهدارى كه در تاريخ 9/11/1361 به ديوان واصل گرديده پس از ثبت و تشكيل پرونده و مطالبه پاسخ شكايت از وزارت بهدارى و وصول پاسخ در دستور كار هئيت عمومى قرار گرفت.  
شرح شكايت و پاسخ آن - شكايت اتحاديه داروخانه‏هاى تهران به اين شرح است كه شوراى معاونان بهدارى در بند 4 مصوبه 6/8/1358 مقرر داشته‏اند كه در مورد داروخانه‏هاى جديد من بعد موسس و مسئول فنى داروخانه يكنفر بوده و الزاماً داراى پروانه داروسازى باشد در صورتيكه به حكايت سوابق موجود در وزارت بهدارى تا سال 1358 داروخانه داران و صاحبان موسسات دارويى كشور كه فاقد مدرك دكترى داروسازى بوده‏اند با رعايت مفاد آيين‏نامه داروخانه‏ها مصوب فروردين ماه 1348 با تحصيل اجازه و اخذ پروانه مخصوص و استخدام يكنفر دكتر داروساز بعنوان مسئول فنى - داروخانه و موسسه خود را داير كرده و به كسب و كار خود اشغال ورزيده‏اند و بند 4 مصوبه 6/8/1358 برخلاف منطوق و مدلول و مواد 1 و 2 قانون مربوط به مقررات پزشكى و دارويى و مغاير با اصل 138 قانون اساسى مى‏باشد كه به موجب آن وزراء و هئيت دولت از تصويب مقرراتى كه مخالف با متن و روح قوانين باشد منع شده‏اند.  
قسمت چهارم از مصوبه تكميلى 28/11/1358 شوراى معاونان وزارت بهدارى هم كه در تكميل تصميم مورخ6/8/1358 تصويب شد. در بندهاى الف و ب و ج شامل مقررات ناصوابى مى‏باشد و وزارت بهدارى با اجراى اين تصميمات ناصواب براى اينكه داروخانه‏ها را از ديد داروسازان تجربى و مؤسسين آنها خارج نمايد تضييقاتى را شروع كرده و به قطع سهميه دارو پرداخته و دستور الزام بانتقال داروخانه را به دكتر داروساز داده و بعضى داروخانه‏ها را تعطيل كرده و اين نوع برخورد مقامات وزارت بهدارى يا صاحبان موسسات دارويى علاوه براينكه تعدى و تجاوز آشكار به حقوق مكتبسه و قانونى افراد مى‏باشند برخلاف ميل باطنى و رضايت قبلى مردم است كه محل كسب و كار و امتياز صنفى و سرمايه خود را به گروه خاصى منتقل نمايند و حقوق ورثه آنها هم در معرض تضييع قرار گيرد و چون تصميمات شوراى معاونان وزارت بهدارى مخالف با مواد 1 و 2 قانون مصوب 1334 مى‏باشند در خواست لغو اين تصميمات و جبران حقوق از دست رفته مديران داروخانه‏ها و داروسازان تجربى مى‏شود.  
وكيل وزارت بهدارى در پاسخ اين شكايت شرحى نوشته و ايراد كرده كه اتحاديه داروخانه‏هاى تهران فاقد عناوين و امتيازاتى است كه در مواد 583 و 584 و 588 قانون تجارت براى اشخاص حقوقى مقرر شده و صلاحيت اين نوع اتحاديه‏ها در قانون نظام صنفى معين گرديده و شكايت اتحاديه داروخانه‏هاى تهران قابل رسيدگى در ديوان عدالت ادارى نيست. وكيل مزبور راجع به اصل موضوع هم نوشته است مصوبه6/8/1358 و28/11/1358 شوراى معاونان وزارت بهدارى با اجازه و اختيار حاصله از ماده 24 قانون مربوط به مقررات پزشكى و دارويى و بعنوان آيين‏نامه بوده كه براى داروخانه‏هاى جديد التاسيس ضوابطى معين نموده تا از مداخله اشخاص فاقد صلاحيت در امر دارو كه يكى از علل نابسامانى آن در گذشته بوده جلوگيرى شود و در متن قانون هم كلمه‏اى كه دلالت بر لزوم تفكيك مؤسس از مسئول فنى بنمايد ملاحظه نمى‏شود و مصوبه 28/11/1358هم ناظر باينده است و با حقوق مكتسبه صاحبان داروخانه‏ها مغايرتى ندارد و با قانون هم مخالف نيست و اجراى اين مصوبات موجب خواهد شد كه دارو از صورت يك كالاى سودآور تجارتى چنانچه در گذشته بوده تدريجاً خارج و بعنوان يك ماده درمان بخش با شرايط مناسب در دسترس طبقات مختلف قرار گيرد و در مورد ورثه صاحب پروانه هم مسلم است كه پروانه داروخانه با فوت صاحب پروانه از درجه اعتبار ساقط مى‏شود و صدور پروانه جديد موكول به احراز شرايط و تصويب صلاحيت متقاضيان جديد در كميسيون ماده 20 قانون مصوب 1334 مى‏باشد و در نامه مورخ بهمن ماه 1361 نخست وزيرى كه به وزارت بهدارى نوشته شده تصريح گرديده كه با فوت صاحب پروانه، حقوق متعارف ناشى از محل يا وسيله كسب متعلق بورثه است و پروانه كسب از درجه اعتبار ساقط مى‏گردد و چنانچه ورثه واجد شرايط قانونى باشند مى‏توانند در حدود مقررات درخواست اخذ پروانه جديد بنمايد و شكايت اتحاديه داروخانه‏ها بيمورد است.  
هئيت عمومى ديوان عدالت ادارى شكوائيه اتحاديه داروخانه‏هاى تهران را در جلسات مختلف مورد بررسى و مطالعه قرار داده و با دعوت از آقايان معاونان وزارت بهدارى توضيح آنان در مورد تصميمات مورخ 6/8/1358و28/11/1358 و همچنين توضيح وكيل وزارت بهدارى در اين زمينه استماع گرديد و به اين خلاصه است كه مصوبات مزبور به عنوان آيين‏نامه قانون مربوط به مقررات پزشكى و دارويى مصوب 1334 و با استفاده از ماده 24 قانون مزبور مى‏باشد كه تاييد و موافقت وزير بهدارى هم رسيده است. نماينده اتحاديه داروخانه‏هاى تهران هم در اين جلسه راجع به شكايت اتحاديه توضيحاتى داده و بالاخره در آخرين جلسه رسيدگى مورخ9/3/1362 هئيت عمومى ديوان عدالت ادارى كه به رياست آقاى محمد امامى كاشانى و با حضور روساء شعب ديوان تشكيل گرديد پرونده مزبور مطرح و پس از بحث و مذاكره و مشاوره ايراد وكيل وزارت بهدارى غير وارد تشخيص و با رد ايراد و اعلام ختم رسيدگى به شرح زير انشاء راى مى‏شود.